

شناسایی موانع آموزش کارآفرینی در مدارس کرمانشاه

بیژن رضایی^{۱*}، نادر نادری^۲، مریم صفری بابازیدی^۳

Received: 19/02/2020

Accepted: 05/08/2020

صفحات: ۶۶-۵۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۳۰

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۱۵

چکیده

این پژوهش از نوع کیفی و پدیدارشناسی است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی معلمان مدارس فنی و حرفه‌ای شهرستان کرمانشاه است که در آموزش کارآفرینی تخصص دارند. براساس روش نمونه‌گیری هدفمند، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۱۵ نفر از معلمان انجام گرفت که دارای حداقل ۱۰ سال سابقه خدمت در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش بودند. در این پژوهش جهت دستیابی به روایی سوالات مصاحبه از نظر معلمان صاحب نظر و اساتید راهنما و مشاور و همچنین متخصصان کارآفرینی و جهت حصول اطمینان از پایایی داده‌های پژوهش نیز از روش مطالعه مکرر، مقایسه مستمر داده‌ها، خلاصه‌سازی و دسته‌بندی اطلاعات استفاده گردید. روش تجزیه و تحلیل مورد استفاده در پژوهش حاضر، روش اشتراوس و کوربین بود. براساس نتایج مصاحبه‌ها، ۱۹ مفهوم در قالب ۶۳ مضمون بدست آمده است. یافته‌ها نشان داد که، نبود علاقه و انگیزه‌ی کافی به تحصیل، ضعف بودن بنیة علمی هنرجویان شاخه‌ی کاردانش، ارتباط کم علم و صنعت در شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش، وضعیت فیزیکی نامناسب هنرستان‌ها، به کارگیری مدرسان غیر متخصص در آموزش کارآفرینی، به کارگیری روش‌های یاددهی-یادگیری نامناسب، اختصاص بودجه‌ی کم به شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش، پایین بودن کمیت و کیفیت تجهیزات و امکانات آموزشی از عمده مشکلات و موانع توسعه‌ی دانش و مهارت‌های کارآفرینی می‌باشد.

کلمات کلیدی: آموزش کارآفرینی، کارآفرینی، مدارس، معلمان، موانع آموزشی.

۱- استادیار گروه مدیریت و کارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

۲- استادیار گروه مدیریت و کارآفرینی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

* نویسنده مسئول:

۳- کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

مقدمه

با توجه به اینکه جهان به سمت اقتصاد کارآفرینی در حرکت است و شرکت‌های جدید در دنیا با سرعتی بی‌سابقه با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و خلاقیت و نوآوری در حال توسعه‌اند و اهمیتی که مقام معظم رهبری به رشد و توسعه خلاقیت و نوآوری داده‌اند و توجه خاصی که مجلس و دولت در برنامه‌های توسعه سوم، چهارم، پنجم و ششم و همچنین برنامه اقتصاد مقاومتی به امور کارآفرینی و ایجاد اشتغال داشته و دارند، امروزه تسلط یافتن به دانش کارآفرینی و ایجاد و توسعه کسب و کار جدید امری الزامی و یکی از پرکاربردترین زمینه‌های علمی و اقتصادی مورد نیاز کشور می‌باشد (Seljuki, 2014). کارآفرینان در یک کشور، موتور حرکت توسعه اقتصادی و عامل اصلی ایجاد خلاقیت و نوآوری هستند، گرچه انگیزه فعالیت‌های کارآفرین نفع شخصی است، ولی ایجاد فضای مناسب توسط دولت، سرمایه‌گذاران مؤسسات اقتصادی، بانک‌ها و... برای کارآفرین در کشور منافع ملی عظیمی به دنبال دارد. کارآفرین فردی است که دارای ایده و فکر جدید است و با خلاقیت و نوآوری که دارد از طریق فرایند ایجاد کسب و کار توأم با بسیج منابع و مخاطره مالی واجتماعی، محصول یا خدمت جدیدی را به بازار عرضه می‌کند. از طرفی ما در کشوری بزرگ با منابع غنی و نیروی انسانی خلاق، نوآور و کارآفرین زندگی می‌کنیم که برای استفاده از توان و ظرفیت‌های کامل این نیروها و منابع غنی آن در جهت رشد و توسعه کارآفرینی نیازمند آموزش‌های علمی، اصولی، عملی و منطقی برای بروز استعدادها و نهفته جوانان در قالب دروس خلاقیت نوآوری و کار آفرینی در مدارس و دانشگاه‌ها توسط معلمان و اساتید مجرب و کارآفرین هستیم (Khani Jazani, 2009). توسعه جامعه در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیازمند نیروی انسانی خلاق و کارآفرین می‌باشد. کارآفرینی فرایندی است که طی آن فرد کارآفرین مبادرت به خلق ایده‌های نو و خلاق و شناسایی ایده‌های تازه می‌کند (Mohammadzadeh, 2015). آگاهی حرفه‌ای که جزئی از فرایند طبیعی تکامل هر فرد است، از دوران کودکی آغاز می‌شود و جزء جداناپذیر از تکامل انسان است. با وجود این، واگذار کردن دوران ابتدایی فرد، به جریان طبیعی خود، کاری نادرست خواهد بود (Marzban, 2016).

امروزه نقش کارآفرینی در تمامی ارگان‌ها و سازمان‌ها محسوس است، یکی از سازمانهایی که کارآفرینی می‌تواند نقش بسزایی در رشد افراد داشته باشد، سازمان آموزش و پرورش می‌باشد. دانش آموزان برای کار و فعالیت به انگیزه‌هایی قوی نیاز دارند؛ اگر آنان ماهیت و اهمیت آموزش و پرورش را زیر سؤال ببرند، یا در مورد توانایی آموزش و پرورش در تأمین آتیه‌شان دچار تردید یا حتی اعتقادشان را به ارزش دروس و مفید و کاربردی بودن آنها از دست بدهند، مدرسه، معلمان و والدین در مورد مسائل انگیزشی آنان با مشکلات مختلفی مواجه خواهند شد. کارآفرینی با

کارکردها و پیامدهای مثبتی که دارد، به عنوان راه حلی اساسی برای رفع بسیاری از مشکلات و بحران‌های داخلی می‌باشد. اما باید در نظر داشت که در اجرای برنامه‌ها و دوره‌های آموزش کارآفرینی موانع بسیاری وجود دارد (Rezwanfar, 2012).

موضوعی که در این میان بسیار با اهمیت است، شناسایی موانع کارآفرینی در میان مدارس می‌باشد. چرا که شناسایی موانع آموزش کارآفرینی به سیاست‌گذاران و مسئولان کمک می‌کند، تصمیمات متناسبی را اتخاذ کنند. ساختار حال حاضر مدارس کشور، با هدف آموزش تخصصی شکل گرفته است و کمتر به نیازهای بازار کار و کسب و کار در جامعه توجه می‌کند. همین امر موجب شده که دانش‌آموختگان کمتر با مفاهیم کارآفرینی آشنایی داشته باشند. لاتهان^۱ (2000) معتقد است، ایجاد شرایط نامناسب اجتماعی و آموزشی، به راحتی باعث از بین رفتن اثربخشی‌های کارآفرینان خواهد شد. معلمان صاحب‌نظر معتقدند که مهمترین موانعی که گریبانگیر آموزش کارآفرینی در مدارس است، کمبود بودجه، کمبود مدرسین با مهارت فنی بالا و روش‌های ارزیابی مناسب می‌باشد (Gibb, 2002). به همین دلیل از آنجا که مدارس شهر کرمانشاه نیز از این قضیه مستثنی نیستند و اغلب با مشکلات آموزش و آمادگی دانش‌آموز برای کارآفرینی مواجه می‌باشند؛ در این پژوهش موانع آموزش کارآفرینی از دیدگاه معلمان و خلاءهای موجود در توسعه کارآفرینی را در شهر کرمانشاه مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. پس باید در نظر داشت که پژوهش حاضر با طرح این سؤال اساسی به نگارش درآمده است که موانع آموزش کارآفرینی در مدارس کرمانشاه (هنرستان‌ها) از دیدگاه معلمان صاحب‌نظر کدام‌ها هستند؟

چهارچوب نظری و پیشینه پژوهش

واژه کارآفرینی از ترجمه فرانسوی کلمه آنتروپراندر^۲ به معنای متعهد شدن است که در زبان انگلیسی انترپرنیر نیز گفته می‌شود. کارآفرینی در حدود دو دهه قبل به عنوان یک نیروی اقتصادی قابل بحث ظهور پیدا کرد. کارآفرینی به عنوان موتور محرکه توسعه و رشد اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. اصطلاح کارآفرین به کسی اطلاق می‌شود که متعهد می‌شود، مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی، اداره و تقبل کند (Kuratko & Hornsby, 2004). Emani (2010) کارآفرینی را فرایند ایجاد چیزی جدید و با ارزش تعریف می‌کند که با صرف زمان و کوشش لازم و پذیرش ریسک‌های توأم مالی، روانی و اجتماعی و با دریافت پاداش‌های

1. Luthans

2. Anterpremier

مالی و رضایت شخصی و استقلال عجیب است. کار آفرینی را می‌توان یک فرایند پویا نامید که شامل آرمان، تحول، دگرگونی و خلاقیت می‌شود.

تعداد هنرستانها و مراکزی که دوره‌های مربوط به کارآفرینی را ارائه می‌دهند از چند دوره‌ی انگشت شمار دهه‌ی ۱۹۷۰ افزایش یافته است (Katz, 2003)، اما رشد قابل توجه دوره‌های مربوط به رشته کارآفرینی، مشکل‌ساز نیز شده است، این که هنوز این رشته مشروعیت همگانی پیدا نکرده و حتی در هنرستانها، قانونمند و مدون نشده است. امروزه موضوع آموزش کار آفرینی به گونه‌ای رشد پیدا کرده است که برای مثال در آمریکا بیش از ۲۲۰۰ واحد درسی در این زمینه در بیش از ۱۹۰۰ واحد آموزشی ارائه می‌شوند. کتز (۲۰۰۳) کامل‌ترین و جامع‌ترین کار را در زمینه‌ی گرد آوری تاریخچه آموزش کارآفرینی انجام داده است. قبل از آغاز دهه ۸۰ میلادی تعداد واحدهای آموزشی که دروس مربوط به آموزش کارآفرینی ارائه می‌کردند به بیش از سیصد واحد می‌رسید و این رقم قبل از دهه ۹۰ میلادی به یک هزار و پنجاه واحد آموزشی افزایش یافت. بنابراین می‌توان گفت که پیدایش این رشته در اصل مربوط به دهه ۸۰ است (Gurel, Altıngil, & Daniele, 2010). آموزش کارآفرینی در اکثر کالج‌ها و هنرستان‌های دنیا فراگیر شده است؛ بیش از ۲۰۰۰ کالج در آمریکا کارآفرینی را آموزش داده و ده‌ها مجله معتبر بین‌المللی و بیش از صدها کتاب با عنوان کارآفرینی انتشار پیدا کرده‌اند. کارآفرینی در دنیای کسب و کار و دانشگاه‌ها رونق بسیاری گرفته است و دوره‌ها، رشته‌ها و هنرستان‌های کارآفرینی روز به روز گسترش پیدا می‌کنند. اهمیت روزافزون آموزش کارآفرینی و رشته‌های مرتبط با آن (کسب کارهای کوچک و خانوادگی، کارآفرینی سازمانی، و غیره ...) را می‌توان در افزایش پست‌های سازمانی اختصاص داده شده در سازمان‌ها، دانشگاه‌ها (کرسی یا استادی)، رشته‌های مرتبط با آن با توجه به نقش و اهمیت افراد کارآفرین در ایجاد شغل و رفاه در جامعه مشاهده کرد.

امروزه یکی از مهمترین عوامل افزایش کیفیت آموزش در هنرستان‌ها و مدارس، بازخورد از روش‌های مختلف آموزش معلمان و نحوه تعامل آنها با یادگیرندگانشان است. کارآفرینی به عنوان یک حوزه علمی رو به رشد از این قاعده مستثنی نیست (Khani Jazani, 2009). از این رو، آموزش کارآفرینی به عنوان یک عامل تسهیل‌کننده در افزایش کیفیت آموزش می‌باشد، در نتیجه بدیهی است که بازخورد معلمان کارآفرینی در بیشتر کشورها به نقش مهم آن در بهبود کیفیت آموزش اساتید کارآفرینی، به عنوان یک ضرورت پژوهشی مطرح شده است (Wood & McKinley, 2010).

1. Chairs or professorship

یکی از اهداف مهم نظام آموزشی کشور، پرورش نیروی انسانی ماهر و متخصص در راستای نیازهای جامعه است. از این رو، می‌توان گفت این امر در چند سال اخیر در مراکز آموزشی ایران نیز شروع شده است. از آنجا که برای سازماندهی آن یک برنامه ریزی دقیق و منسجم ضروری می‌باشد (Gurel, Alting & Daniele, 2010)، دولت‌های اروپایی از فعالیت‌هایی که منجر به تشویق کارآفرینی بین جوانان می‌شود، حمایت ویژه‌ای به عمل آورده‌اند. حمایت از کارآفرینی همانطور که اشاره گردید در چند دهه اخیر از استقبال فراوانی در میان کشورهای جهان برخوردار بوده است، ایران نیز با توجه به داشتن نیروی متخصص و ماهر به گسترش آموزش کارآفرینی توجه ویژه‌ای نموده است، اما در این راستا همانطور که کشورهای پیشرفته با موانع روبرو شده‌اند، کشور ایران نیز در خصوص آموزش کارآفرینی دچار محدودیت‌هایی می‌باشد. اما باید در نظر داشت با پرورش نیروی انسانی ماهر و متخصص نباید چنین در نظر گرفته شود که کارآفرینی فرایندی سهل و آسان است یا اینکه با چالش‌های بسیار مواجه نیست. در واقع رشد کارآفرینی در کشورهایی همچون ایران که از یک سو با نارسایی‌های خاص کشورهای در حال توسعه در عرصه اقتصاد، آموزش و مدیریت روبرو هستند و از سوی دیگر دیرتر از سایر کشورها به آموزش کارآفرینی روی آورده‌اند، با دشواری‌ها و محدودیت‌های به مراتب افزون‌تر و پیچیده‌تر مواجه است. (Bell, 2008) معتقد است که فراگیری که در دوره‌های آموزشی کارآفرینی شرکت می‌کنند، علاوه بر کسب شایستگی‌های تخصصی، مهارت‌های فنی نیز به دست می‌آورند تا توانمندی‌های کارآفرینانه آنها تقویت گردد. در واقع، این دوره‌ها فراگیران را برای روبرویی با فرصت‌ها و تعاملات اجتماعی مختلف آماده می‌سازد. در همین راستا، کارآفرینی با توجه به نقش حساس که در توسعه ایفا می‌کند، به شدت مورد توجه نظام آموزشی از جمله هنرستانها نیز قرار گرفته شده است. یونسکو در چشم‌انداز جهانی آموزش عالی برای سده بیست و یکم، هنرستانها را به عنوان یک مکان توصیف می‌کند که در آن قابلیت‌های کارآفرینی دانش‌آموزان توسعه می‌یابد، (Azizi, Hosseini, Hosseini & Mirdamadi, 2010)، به بیان دیگر، امروزه رسالت آموزش تنها انتقال دانش با پیشرفت ذهنی نیست بلکه آن نوع آموزش‌هایی باید در دستور کار قرار گیرد که توانایی اشتغال‌پذیری را در افراد داشته باشد (Hwang, 2011) زیرا چنین فعالیت‌هایی باعث شده‌اند انگیزه دانش‌آموختگان تغییر کرده (Peterman, 2003) و فعالیت‌های آنان به سمت و سوی کارآفرینی سوق داده شود. با توجه به اهمیت موضوع یکی از عوامل اثرگذار در توسعه کارآفرینی، توجه ویژه به تقویت نظام آموزشی است. امروزه تقریباً در تمام کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در همه پایه‌های تحصیلی، آموزش و ترویج کارآفرینی جایگاهی ویژه پیدا کرده است (Rahmati, Moghimi & Alvani, 2008). با چنین شرایطی، اهمیت و نقش آموزش‌های کارآفرینی در

هنرستان‌ها بیش از پیش نمایان می‌شود. رسالت نظام آموزش در هنرستان‌ها، تربیت نیروی انسانی کارآمد، خلاق و کارآفرین است که آموزش کارآفرینی می‌تواند در این راه به عنوان یک پتانسیل بالقوه برای کمک به وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان در مدارس نقش بسزایی ایفا کند. ضرورت کارآفرینی در مدارس و نقش آن در توسعه جامعه، مقوله‌ای است که توجه پژوهشگران زیادی را به خود معطوف ساخته است. از دیدگاه برخی از پژوهشگران، کارآفرینی آموزشی شکل خاصی از انتقال فناوری است. این پدیده زمانی رخ می‌دهد که پژوهشگران در مدارس و دانشگاه‌ها، تصمیم به تجاری‌سازی فناوری تولید شده در مؤسسه خود می‌گیرند (Toole, 2007).

روش شناسایی پژوهش

از آنجا که این پژوهش به دنبال بررسی و شناخت تجارب معلمان صاحب‌نظر برای شناسایی موانع آموزش کارآفرینی بود و از طرفی سعی بر این بود که نتیجه‌های به دست آمده طبیعی و واقعی باشد از این‌رو تصمیم بر آن شد که از رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی در این تحقیق استفاده شود.

با توجه به هدف کلی تحقیق که شناسایی موانع و راهکارهای آموزش کارآفرینی در مدارس بود، پرسش‌های تحقیق به این شرح مطرح شد که:

۱. موانع موجود در آموزش کارآفرینی در هنرستانهای شهر کرمانشاه کدامند؟
 ۲. راهکارهای بررسی در آموزش کارآفرینی در هنرستانهای شهر کرمانشاه کدامند؟
- بدین منظور در این پژوهش از مصاحبه نیمه ساختار یافته از نوع واقع محور یا رفتاری استفاده شد (Zamani, 2017). مصاحبه واقع محور بر دو اصل پایه گذاری شده است: ۱- بهترین پیش بینی کننده رفتار عملکرد آینده افراد، رفتار و عملکرد گذشته آنان است. ۲- احتمال تکرار رفتار و عملکرد اخیر یک فرد بسیار زیاد است.

به صورت عام، جامعه آماری این پژوهش می‌توانست شامل تمامی صاحب نظران حیطه کارآفرینی در مدارس باشد، اما چون هدف پژوهش بررسی موانع کارآفرینی در مدارس بود لذا تاکید این پژوهش به صورت اخص بر معلمان قرار گرفت. بر همین اساس، معلمان دارای ۱۰ سال سابقه در هنرستانهای شهر کرمانشاه به عنوان جامعه هدف قرار گرفتند و برای تعیین حجم نمونه از شاخص اشباع نظری داده‌ها استفاده شد، به این صورت پس از مصاحبه با ۱۲ نفر به اشباع رسید و مصاحبه جهت اطمینان بیشتر تا نفر پانزدهم ادامه یافت. از این‌رو پس از بررسی تجارب ۱۵ نفر از معلمان صاحب نظر شهرستان کرمانشاه که در آموزش کارآفرینی در زمینه‌ی موانع

آموزش کارآفرینی در مدارس کرمانشاه (هنرستان ها) تخصص داشتند دیگر داده‌ی جدیدی در ارتباط با این موضوع به دست نیامد و عمل گزینش دیگر ادامه نیافت.

جهت گردآوری اطلاعات در این پژوهش، ۱۵ نفر از معلمانی که دارای حداقل ۱۰ سال سابقه خدمت در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش بودند و همچنین آشنایی آنان با شیوه آموزش کارآفرینی و تخصص آنان در این زمینه، به صورت هدفمند به عنوان نمونه انتخاب شدند. در این پژوهش جهت دستیابی به روایی سؤالات مصاحبه از نظر معلمان صاحب نظر و همچنین متخصصان کارآفرینی استفاده گردید، همچنین و جهت بررسی عمیق تر داده‌های پژوهش نیز از روش مطالعه مکرر، مقایسه مستمر داده ها، خلاصه سازی و دسته بندی اطلاعات استفاده گردید. همچنین برای بررسی متغیرهای جمعیت شناختی و تحلیل توصیفی پژوهش از نرم افزار SPSS25 و در بخش کیفی داده‌های جمع آوری شده از روش پیشنهادی اسمیت استفاده شد.

یافته ها

به منظور دستیابی به اهداف تحقیق، محقق سعی نمود، با پرسیدن سوال‌های چیست و چه هست؟، چطور و چرا؟ ابعاد مختلف مفهوم آموزش کارآفرینی و موانع و راهکارها و همچنین ارزشیابی آن بر اساس تجربه معلمان صاحب نظر این رشته استخراج نماید. بعد از گردآوری داده ها، تحلیل از طریق روش کلایزی انجام شد. برای این منظور داده‌های گردآوری شده از طریق مصاحبه عمیق و ضبط و ثبت در لحظه این فرایند در میدان تحقیق، در یک بانک اطلاعاتی جمع آوری و سازماندهی شد. محقق در این مرحله سعی کرد با مرور مکرر داده‌ها نسبت به اطلاعات جمع آوری شده به یک دید کلی دست یابد. در مرحله بعدی، با استفاده از راهبرد جمله به جمله، عبارات مهم و مرتبط با موضوع پژوهش مشخص شدند پس از حذف موارد تکراری و ادغام موارد مشابه ۱۹ طبقه یا مضمون در قالب ۶ مفاهیم شناسایی شد که در جدول‌های شماره (۱) نمایش داده شده است.

جدول (۱): مضامین استخراج شده در رابطه با موانع آموزش کارآفرینی
(بر مبنای یافته‌های تحقیق)

مفاهیم	مضمون	ردیف
مشکلات فضای فیزیکی مدارس	تاکید بر مشکلات فضای فیزیکی مدارس	۱
	تاکید بر کاربری نادرست ساختمان مدارس	۲
	تاکید بر کاربری نادرست کلاس‌ها و کارگاه‌ها	۳
مشکلات مربوط به امکانات آموزشی	مشکلات مربوط به امکانات آموزشی	۴
	تاکید بر کمبود امکانات آموزشی	۵
	تاکید بر پایین بودن کیفیت امکانات آموزشی	۶
	تاکید بر عدم اختصاص بودجه‌ی کافی به شاخه‌های فنی حرفه‌ای و کاردانش	۷
به کارگیری روش‌های یاددهی - یادگیری نامتناسب	به کارگیری روش‌های یاددهی - یادگیری سنتی	۸
	تاکید بر ارتباط کم با مراکز تولیدی، صنعتی و خدماتی	۹
	تاکید بر عدم استفاده از روش‌های تدریس فعال و یادگیرنده محور	۱۰
موانع یادگیری هنرجویان و کارآموزان	موانع یادگیری هنرجویان و کارآموزان	۱۱
	تاکید بر نبود علاقه و انگیزه کافی به تحصیل	۱۲
	تاکید بر ضعیف بودن بنیة علمی هنرجویان و کارآموزان	۱۳
مشکلات علمی مدرسان و کارآموزان شاخه‌ی کاردانش و فنی و حرفه‌ای	مشکلات علمی مدرسان و کارآموزان شاخه‌ی کاردانش و فنی و حرفه‌ای	۱۴
	تاکید بر دانش و پژوهش محدود مدرسان در حوزه‌ی کارآفرینی	۱۵
	تاکید بر کافی نبودن دوره‌های آموزشی ضمن خدمت	۱۶
	تاکید بر پایین بودن کیفیت آموزش‌های ضمن خدمت	۱۷
	تاکید بر عدم به کارگیری از مدرسان متخصص در حوزه‌ی کارآفرینی	۱۸
تاکید بر داشتن دیدگاه صرفاً نظری	تاکید بر داشتن دیدگاه صرفاً نظری به آموزش کارآفرینی در ساختار آموزشی	۱۹

سپس مضامین و مفاهیم استخراج شده، توسط روش سوارا اولویت بندی و وزن دهی شدند که نتایج کلیه محاسبات فازی سازی، در ادامه آورده شده است.

جدول (۲): نتایج دلفی فازی در رابطه با مضمونهای مفهوم مشکلات فضای فیزیکی مدارس

میانگین فازی	میانگین فازی	مضمون
۰/۹۲	۰/۷۶، ۰/۹۳	تاکید بر مشکلات فضای فیزیکی مدارس
۰/۸۶	۰/۸۲، ۰/۸۷	تاکید بر کاربری نادرست ساختمان مدارس
۰/۹۱	۰/۹۰، ۰/۹۴	تاکید بر کاربری نادرست کلاس‌ها و کارگاه‌ها

جدول (۳): نتایج دلفی فازی در رابطه با مضمونهای مفهوم مشکلات مربوط به امکانات

آموزشی

میانگین قطعی	میانگین فازی	مضمون
۰/۸۹	۰/۸۹، ۰، ۰/۹۰	مشکلات مربوط به امکانات آموزشی
۰/۹۲	۰/۸۳، ۱، ۰/۹۷	تاکید بر کمبود امکانات آموزشی
۰/۹۵	۰/۹۴، ۱، ۰/۹۶	تاکید بر پایین بودن کیفیت امکانات آموزشی
۰/۸۹	۰/۸۸، ۱، ۰/۸۹	تاکید بر عدم اختصاص بودجه‌ی کافی به شاخه‌های فنی حرفه‌ای و کاردانش

جدول (۴): نتایج دلفی فازی در رابطه با مضمونهای مفهوم به کارگیری روش‌های یاددهی -

یادگیری نامتناسب

میانگین قطعی	میانگین فازی	مضمون
۰/۸۶	۰/۸۴، ۰، ۰/۸۵	به کارگیری روش‌های یاددهی - یادگیری سنتی
۰/۸۴	۰/۸۳، ۰، ۰/۹۲	تاکید بر ارتباط کم با مراکز تولیدی، صنعتی و خدماتی
۰/۸۹	۰/۸۸، ۰، ۰/۸۹	تاکید بر عدم استفاده از روش‌های تدریس فعال و یادگیرنده محور

جدول (۵): نتایج دلفی فازی در رابطه با مضمونهای مفهوم موانع یادگیری هنرجویان و

کارآموزان

میانگین قطعی	میانگین فازی	مضمون
۰/۷۱	۰/۶۷، ۱، ۰/۷۹	موانع یادگیری هنرجویان و کارآموزان
۰/۸۲	۰/۸۱، ۰، ۰/۸۳	تاکید بر نبود علاقه و انگیزه کافی به تحصیل
۰/۸۸	۰/۷۸، ۰، ۰/۹۵	تاکید بر ضعیف بودن بنیة علمی هنرجویان و کارآموزان

جدول (۶): نتایج دلفی فازی در رابطه با مضمونهای مفهوم مشکلات علمی مدرسان و کارآموزان شاخه‌ی کاردانش و فنی و حرفه‌ای

میانگین قطعی	میانگین فازی	مضمون
۰/۷۰	۰/۷۳ ، ۱ ، ۰/۶۹	مشکلات علمی مدرسان و کارآموزان شاخه‌ی کاردانش و فنی و حرفه‌ای
۰/۷۶	۰/۷۷ ، ۱ ، ۰/۷۵	تاکید بر دانش و پژوهش محدود مدرسان در حوزه‌ی کارآفرینی
۰/۹۵	۰/۹۹ ، ۰ ، ۰/۹۳	تاکید بر کافی نبودن دوره‌های آموزشی ضمن خدمت
۰/۷۵	۰/۸۰ ، ۱ ، ۰/۶۴	تاکید بر پایین بودن کیفیت آموزش‌های ضمن خدمت
۰/۶۹	۰/۷۳ ، ۱ ، ۰/۶۵	تاکید بر عدم به کارگیری از مدرسان متخصص در حوزه‌ی کارآفرینی

جدول (۷): نتایج دلفی فازی در رابطه با مضمونهای مفهوم مشکلات علمی مدرسان و کارآموزان شاخه‌ی کاردانش و فنی و حرفه‌ای

میانگین قطعی	میانگین فازی	مضمون
۰/۸۹	۰/۹۱ ، ۱ ، ۰/۷۲	تاکید بر داشتن دیدگاه صرفاً نظری به آموزش کارآفرینی در ساختار آموزشی

در گام بعد، نشانگرهای تایید شده (نشانگرهای کلیدی عملکرد مدارس) با استفاده از روش SWARA وزندهی و رتبه بندی شدند. این روش در مواقعی که تعداد نشانگرها زیاد است، بسیار مفید عمل می‌کند. همچنین خروجی روش دلفی فازی که همان وزندهی قطعی نشانگرها است به عنوان ورودی میتواند وارد روش SWARA شود. ابتدا بر اساس میانگین قطعی روش دلفی فازی، مضامین از میانگین زیاد به کم مرتب شدند و سپس اهمیت نسبی هر معیار J با معیار $J-1$ بر اساس درصد بیان شدند. در گام بعد به محاسبه نهایی مفاهیم انجام شد. نتایج برای هر یک از مفاهیم در ادامه آورده شده است.

جدول (۸): مضامین با اولویت بالا در مفهوم مشکلات فضای فیزیکی مدارس

Wj	Qj	Kj	Sj	میانگین	مضمون
۰/۰۸۴	۱	۱	-	۰/۹۲	تاکید بر مشکلات فضای فیزیکی مدارس
۰/۰۸۳	۱	۱	-	۰/۹۱	تاکید بر کاربری نادرست ساختمان مدارس
۰/۰۸۰	۰/۹۹	۱/۰۳	% ۱/۲۵	۰/۹۰	تاکید بر کاربری نادرست کلاس‌ها و کارگاه‌ها

مطابق جدول (۸) مضامین مفهوم مشکلات فضای فیزیکی مدارس اولویت بندی شدند که تاکید بر مشکلات فضای فیزیکی مدارس و تاکید بر کاربری نادرست ساختمان مدارس مضامینی بودند که رتبه بالاتری بین موانع آموزش کارآفرینی در مدارس داشتند.

جدول (۹): مضامین با اولویت بالا مفهوم مشکلات مربوط به امکانات آموزشی

Wj	Qj	Kj	Sj	میانگین	مضمون
۰/۰۵۷	۱	-	-	۰/۹۴	مشکلات مربوط به امکانات آموزشی
۰/۰۵۶	۱	-	-	۰/۹۳	تاکید بر کمبود امکانات آموزشی
۰/۰۵۵	۱	-	-	۰/۹۰	تاکید بر پایین بودن کیفیت امکانات آموزشی
۰/۰۵۳	۰/۹۷	۱	٪ ۰	۰/۸۹	تاکید بر عدم اختصاص بودجه‌ی کافی به شاخه‌های فنی حرفه‌ای و کار دانش

مطابق جدول (۹) مضامین مفهوم مشکلات مربوط به امکانات آموزشی اولویت بندی شدند که مشکلات مربوط به امکانات آموزشی، تاکید بر کمبود امکانات آموزشی و تاکید بر پایین بودن کیفیت امکانات آموزشی مضامینی بودند که رتبه بالاتری بین مشکلات مربوط به امکانات آموزشی در مدارس داشتند.

جدول (۱۰): مضامین با اولویت بالا مفهوم به کارگیری روش‌های یاددهی - یادگیری نامتناسب

Wj	Qj	Kj	Sj	میانگین	مضمون
۰/۰۸۳	۱	-	-	۰/۹۱	به کارگیری روش‌های یاددهی - یادگیری سنتی
۰/۰۵۶	۰/۹۶	۱	٪ ۲/۴۹	۰/۸۶	تاکید بر ارتباط کم با مراکز تولیدی، صنعتی و خدماتی
۰/۰۵۵	۰/۹۲	۱/۰۳	٪ ۲/۸۶	۰/۸۵	تاکید بر عدم استفاده از روش‌های تدریس فعال و یادگیرنده محور

مطابق جدول (۱۰) مضامین مفهوم به کارگیری روش‌های یاددهی - یادگیری نامتناسب اولویت بندی شدند که به کارگیری روش‌های یاددهی - یادگیری سنتی رتبه بالاتری بین مفهوم به کارگیری روش‌های یاددهی - یادگیری نامتناسب داشت.

جدول (۱۱): مضامین با اولویت بالا مفهوم موانع یادگیری هنرجویان و کارآموزان

Wj	Qj	Kj	Sj	میانگین	مضمون
۰/۰۷۲	۱	-	-	۰/۹۱	موانع یادگیری هنرجویان و کارآموزان
۰/۰۶۷	۰/۷۶	۱/۰۹	٪ ۱/۹۸	۰/۸۳	تاکید بر نبود علاقه و انگیزه کافی به تحصیل
۰/۰۶۵	۰/۷۴	۱/۲۷	٪ ۲/۸۱	۰/۷۸	تاکید بر ضعیف بودن بنیهای علمی هنرجویان و کارآموزان

مطابق جدول (۱۱) مضامین مفهوم موانع یادگیری هنرجویان و کارآموزان اولویت بندی شدند که موانع یادگیری هنرجویان و کارآموزان و تاکید بر نبود علاقه و انگیزه کافی به تحصیل رتبه بالاتری بین مفهوم موانع یادگیری هنرجویان و کارآموزان داشتند.

جدول (۱۲): مضامین با اولویت بالا مفهوم مشکلات علمی مدرسان و کارآموزان شاخه‌ی

کاردانش و فنی و حرفه‌ای

Wj	Qj	Kj	Sj	میانگین	مضمون
۰/۰۸۸	۱	-	-	۰/۹۳	مشکلات علمی مدرسان و کارآموزان شاخه‌ی کاردانش و فنی و حرفه‌ای
۰/۰۸۷	۱	-	-	۰/۹۲	تاکید بر دانش و پژوهش محدود مدرسان در حوزه‌ی کارآفرینی
۰/۰۸۶	۱	-	-	۰/۹۱	تاکید بر کافی نبودن دوره‌های آموزشی ضمن خدمت
۰/۰۵۵	۰/۸۴	۱/۰۲	٪ ۰/۷۳	۰/۸۶	تاکید بر پایین بودن کیفیت آموزش‌های ضمن خدمت

مطابق جدول (۱۲) مضامین مفهوم مشکلات علمی مدرسان و کارآموزان شاخه‌ی کاردانش و فنی و حرفه‌ای بندی شدند که مشکلات علمی مدرسان و کارآموزان شاخه‌ی کاردانش و فنی و حرفه‌ای، تاکید بر دانش و پژوهش محدود مدرسان در حوزه‌ی کارآفرینی و تاکید بر کافی نبودن دوره‌های آموزشی ضمن خدمت رتبه بالاتری بین مفهوم مشکلات علمی مدرسان و کارآموزان شاخه‌ی کاردانش و فنی و حرفه‌ای داشتند.

جدول (۱۳): اوزان مفاهیم

Wj	Qj	Kj	Sj	میانگین	مضمون
۰/۰۸۶	۱	-	-	۰/۹۱	به کارگیری روش‌های یاددهی- یادگیری نامتناسب
۰/۰۷۶	۰/۸۸	۰/۸۳	٪ ۰/۷۰	۰/۸۷	مشکلات مربوط به امکانات آموزشی
۰/۰۷۱	۰/۸۷	۰/۹۹	٪ ۰/۷۵	۰/۸۶	موانع یادگیری هنرجویان و کارآموزان
۰/۰۶۹	۰/۸۴	۱/۰۱	٪ ۰/۸۳	۰/۸۲	مشکلات علمی مدرسان و کارآموزان شاخه‌ی کاردانش و فنی و حرفه‌ای
۰/۰۶۳	۰/۷۹	۱/۱۶	٪ ۰/۹۲	۰/۷۸	مشکلات فضای فیزیکی مدارس

بحث و نتیجه گیری

در رابطه با سوال اول پژوهش مبنی بر شناسایی موانع کارآفرینی، در تحلیل اظهارات مشارکت‌کنندگان این موضوع کاملاً آشکار بود که اکثر آنان عقیده داشتند که روش‌های سنتی و معمول، چه در امر آموزش و چه در ارزشیابی، نمی‌تواند برای آموزش کارآفرینی و مفاهیم مربوط به آن روش مناسب و تاثیر گذار باشد و معتقد بودند که کار آفرینی و تمام جنبه‌های مربوط به آموزش آن را می‌بایستی با رویکردی عملی نگریست. نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش (2000) Lathan, Gip (2002), Emani (2010), Wood & McKinley (2010), Bell (2008), Naseri et al (2020) و همسویی دارد.

در تبیین یافته‌های پژوهش باید گفت که برخی عوامل در زمینه کاربردی ترین روش‌ها و فنون آموزش کارآفرینی نظیر، استفاده از روش‌ها و فنون اکتشافی و مساله محور، استفاده از فنون مشابه دوره‌های آموزشی، ضرورت آموزش کارآفرینی با روش‌های علمی و کاربردی، استفاده از روش‌های عینی در آموزش کارآفرینی جهت ایجاد تجربه، عوامل سازمانی در ایجاد کارآفرینی مستقل، استفاده از فن سخنرانی انگیزشی، پرورش خلاقیت، استفاده از تجارب شخصی مدرس در آموزش کارآفرینی و همچنین ایجاد نگرش مثبت نسبت به کارآفرینی بود است و همچنین عواملی نظیر، نبود علاقه و انگیزه کافی نسبت به تحصیل، ضعیف بودن بنیهای علمی هنرجویان شاخه‌ی کاردانش، وضعیت نامناسب تجهیزات آموزشی از لحاظ کمیت و کیفیت، فضای فیزیکی نامناسب هنرستان‌ها، عدم به کارگیری شیوه‌های یاددهی- یادگیری متناسب با موضوع کارآفرینی، نداشتن تخصص مدرسان در حوزه‌ی کارآفرینی از جمله موانع توسعه‌ی دانش و مهارت‌های کارآفرینی در هنرجویان محسوب می‌شود.

با توجه به موانع و مشکلات مطرح شده، پیشنهاداتی نیز در راستای این موانع و در جهت بهبود برنامه‌های آموزش کارآفرینی از قبیل: شروع آموزش‌های کارآفرینی از دوره‌ی ابتدایی، ساخت اتاق فکر کارآفرینی در هنرستان‌ها، اختصاص بودجه‌ی کافی به شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش، ارتباط بیشتر این آموزش‌ها با مراکز تولیدی و خدماتی و حمایت همه‌جانبه‌ی دولت از اشتغال زایی و کارآفرینی از سوی مدیران و مدرسان ارائه گردید و در آخر پیشنهاداتی جهت بهبود برنامه‌ی آموزش کارآفرینی ارائه شده است: بر مبنای رشته مورد علاقه دانش آموز ثبت نام کند، تشویق‌های مؤثر برای کشف استعدادهای دانش آموزان، ارتباط مستقیم با صنعت، بازار و تولیدی‌ها و خدماتی‌ها، افزایش بودجه، آموزش جدید و صحیح برای مربی‌ها، به کارگیری مدرسین متخصص و کارآفرین در این حوزه، حمایت همه‌جانبه‌ی دولت از اشتغال زایی و کارآفرینی، ایجاد تجهیزات لازم و برخورداری از امکانات، حمایت کارآفرین‌ها و ایجاد زمینه کاری متناسب با مهارت‌های آموخته شده. یافته‌های پژوهش (Yadollahi et all (2010 نشان داد که یکی از بهترین و مناسب ترین روش‌های آموزش کارآفرینی برگزاری کارگاه‌های مرتبط و مناسب با کارآفرینی و استفاده از متخصصین مناسب برای این کارگاه‌ها می‌باشد. مسئله حائز اهمیت تر در این خصوص ملاقات با کارآفرینان موفق است. و یا اینکه فیلم‌های آموزشی در زمینه کارآفرینی در دیگر استان‌ها تهیه شود و از تجربیات و سخنان کارآفرینان موفق بتوان بهترین بهره را جست. در این خصوص نیز استان کرمانشاه می‌تواند در برنامه‌های درسی مدارس کارگاه‌های کوچکی در زمینه آموزش کارآفرینی به طور عملی تدوین نماید تا از این طریق دانش آموزان با دوره‌های کارآفرینی در این کارگاه‌ها آشنا شوند و بتوانند شغل‌های جدید را در ذهن خویش متبلور سازند و به مهارت‌های خویش پی ببرند. قطعاً اگر بتوان ذهنیت دانش آموزان را از همان دوران ابتدایی تحصیل به کارآفرینی آشنا نمود می‌توان در آینده این انتظار را داشت که دانش آموزان ذهنیتی خلاق داشته باشند و بتوانند مهارت‌های خویش را به نحو احسن به کار بگیرند. این مفهوم یکی از عواملی است که باعث می‌گردد موانع کارآفرینی از سر راه برداشته شود.

منابع

- Azizi, B., Hosseini, F. J., Hosseini, M., & Mirdamadi, M. (2010). "Factors influencing the development of entrepreneurial education in Iran's applied scientific educational centers for agriculture". *American Journal of Agricultural and Biological Sciences*, 5 (1), PP. 77-83. (In Persian).

- Bayrami Erdi, M., Turani, H., Khalkhali, A., Shakibaei, Z., & Kazempour, I. (2019). Provide an appropriate model of knowledge management in order to improve the quality of learning of high school students. *School Management*, 7 (3), 22-1. (In Persian). doi: 10.34785 / J010.1398.112.
- Bell, P. (2008). The new entrepreneurship. *Vital speches of the Day*, 67: 572-575.
- Gibb, A. (2002). In pursuit of a new enterprise and entrepreneurship paradigm for learning creative deconstruction, new, values new ways of doing things and new combinations of knowledge. *International Journal of Management Reviews*, 4(3): 233 -269.
- Gurel, E., L, Altin., & R. Daniele. (2010). Tourism students' entrepreneurial intentions. *Annals of Tourism Research*, 37: 69-646.
- Hwang, H. (2001). "A modern simulation course for business students". *Interfaces*, 31 (3), PP. 66-75.
- Imani, N. (2009). Entrepreneurship training in universities: a framework for planning, administration, and evaluation of entrepreneurship programs. *Educational administration research quarterly*, Volume 1, Number 1; Page(s) 27 To 50. (In Persian).
- Katz, J.A. (2003). The chronology and intellectual trajectory of American entrepreneurship education 1876-1999. *Journal of Business Venturing*, 18: 283-300.
- Khani Jazani, A. (2009), The Impact of Entrepreneurship Training on Promoting Entrepreneurship Culture in Iranian Universities, *Modern Business and Economics Quarterly*, Nos. 10 and 11. (In Persian).
- Kuratko, D., & Hornsby. J. (2004). Developing an Entrepreneurial resection, *strategic management journal*, 21(13), 35-43.
- Luthans, F., A.D. Stajkovic & *World Business*, 35: 95-110.
- Marzban, S, (2016), Analysis of Barriers to Entrepreneurship Education in Schools, *Journal of Management and Entrepreneurship Studies*, Volume 3, Issue 1. (In Persian).
- Mohammadzadeh, L. (2015), Identifying Barriers to Entrepreneurship Education in Agricultural Education Centers, *Journal of Entrepreneurship and Agriculture*, Second Year, No. 3. (In Persian).
- Naseri Alashti, M., Saffarian Hamedani, S., & Hashem Nejad Abresi, F.(2010). Providing a model of localization of individual and social skills training and entrepreneurship in Iranian schools. *School Management*, 8 (3), 1-20. (In Persian).

- Peterman, N. E., & Kennedy, J. (2003). "Enterprise Education: influencing students' perceptions of entrepreneurship". *Entrepreneurship: Theory & Practice*, 28 (2), PP.129-145.
- Rahmati, M. H., Moghimi, M., & Alvani, M. (2008). Analyzing the Policy-Making System for Informal Entrepreneurship. *Journal of Entrepreneurship Development*, 3 (9), PP. 7-35. (In Persian).
- Rezwanfar, A. (2012), Analysis of Entrepreneurship Barriers in Iranian Agricultural Colleges from the Students' Viewpoint, *Journal of Public Administration*, No. 10. (In Persian).
- Seljuki, S. (2014). Entrepreneurship Creation and Development and Business, Tehran, *Kerman Cultural Services Publication*, Ninth Edition. (In Persian).
- Spacco, J., Hovemeyer, D., Pugh, W., Emad, F., Hollingsworth, J. K., & Padua-Perez, N. (2006). Experiences with marmoset: designing and using an advanced submission and testing system for programming courses. *ACM Sigcse Bulletin*, 38(3), 13-17.
- Toole, A., & Czarnitzki, D. (2007). "Biomedical academic entrepreneurship through the SBIR program"; *Journal of Economic Behavior & Organization*; Vol.63: pp 716-38.
- Wood, M. S., & McKinley, W. (2010). The production of entrepreneurial opportunity: a constructivist perspective. *Strategic Entrepreneurship Journal*, 4(1), 66-84.
- Yadollahi Farsi, J., & Mir-Arab Razi, R. (2010). Investigation of Entrepreneurship Education Curriculum in Educational Sciences. *Entrepreneurship Development Quarterly*, First Year, No. 3. (In Persian).
- Zamani, a. (2017). The recognition and analysis of factors influencing the quality of education in higher education.